

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز  
۲۷ سپتمبر ۲۰۱۶

## سیاه کشی و بحران اجتماعی در امریکا

خشونت علیه سیاهان امریکائی روز افزون است. قوه قهریه پولیس با شدت با سیاهان رفتار نموده و بی موجب آنها را به گلوله می بندد. سیاهان هم در شهر های مختلف دست به تظاهرات زده که بعضی اوقات با برخورد ها جدی با پولیس همراه بوده است. امریکا در یک بحران عمیق اجتماعی قرار دارد که اگر در مورد علاج آن توجه نشود، معضله بزرگی را برای این کشور خلق خواهد کرد.

در هفته گذشته، در ایالات اکولاما و کارولینای شمالی، یک عده از سیاهان توسط پولیس به قتل رسیدند. مردم سیاه در هر دو ایالت دست به تظاهرات زده و مقامات امنیتی را به مبارزه طلبیده اند. پولیس ادعا می کند که به خاطر حفظ جان خود و تأمین امنیت، اجباراً به سوی فرد مشکوک فیر نموده است. مردم عکس پولیس، اظهار می دارند که پولیس بر مبنای تعصب نژادی دست به کشتار سیاهان می زند. حوادث خونبار در اوکولاما و کارولینای شمالی نشان می دهد که امریکا به بحران عمیق اجتماعی و کشمکش های طبقاتی مواجه شده است. غربت و بیکاری در میان سیاهان امریکائی بیشتر از سایر اقلیت هاست. دولت امریکا خواه روی غفلت و یا عمدی، کاری انجام نمی دهد که سطح زندگانی مردم سیاه را از نگاه کیفیتی تغییر دهد. فقر و تنگدستی و فقدان تحصیل لازم، خواهی نخواهی حالتی را خلق می کند که برای جامعه نارام کننده خواهد بود. حادثه ای که در شهر شارلوت در ایالت کارولینای شمالی اتفاق افتاد، می تواند نمونه ای از نارامی های اجتماعی در امریکا باشد.

شارلوت بزرگترین شهر ایالت کارولینای شمالی است که رو به توسعه بوده و با داشتن دونیم میلیون نفوس برای بانک دار ها منطقه خوبی به شمار می رود. به موازات این پیشرفت، فقر هم دو چند شده است. احصائیه ها نشان می دهند که از سالیان اول قرن ۲۱ تا کنون، تعداد افراد بی بضاعت از ۱۷۰۰۰۰ تن به ۳۱۵۰۰۰ تن رسیده است. حتا یک ربع اطفال در خط پائین فقر زندگی می نمایند. در سایر شهر های بزرگ امریکا، همین حالت حکمفرماست. بعد از بحرام مالی ۲۰۰۸، عدم تساوی اجتماعی سه برابر شده است. خلاف تصور، ثروتمندان در شهر شارلوت ثروتمند تر شده و در نتیجه فاصله طبقاتی طور سرسام آوری وسعت یافته است. میلیون ها کارگر و جوانان به آینده نا معلوم با مزد کم و یا بیکاری کامل مواجه اند. این جاست که تضاد های درونی جامعه شدت می گیرد و خشونت می آفریند.

نژاد پرستی پولیس و طبقات حاکم روز به روز بیشتر شده که این خود خشونت پولیس را خصوصاً نسبت به سیاهان بیشتر می سازد. فرقی نمی کند که پولیس سیاه باشد یا سفید، هر دو دساتیر صاحبان سرمایه را به معرض اجراء قرار

می دهند. در مجموع، خشونت پولیس یک عمل طبقاتی شناخته می شود. ۹۰ درصد قربانیان خشونت پولیس سیاهان اند، صرف کمتر از یک فیصد قربانیان سفیدان می باشند. این ارقام نشان می دهد که جامعه آمریکا را تعصب نژادی فرا گرفته که توأم با عدم تساوی اجتماعی و طبقاتی بحران جامعه را به اوج خود رسانیده است. اکثر صاحب نظران معتقد اند که بیماری روز افزون خشونت پولیس علیه مردم بی بضاعت، علامه ای از مریضی است که جامعه آمریکا به آن دچار شده است. روی همین دلیل است که برای فریب اذهان عامه، آمریکا دست به ماجراجویی در سطح جهانی می زند تا افکار عامه به سوی دیگر رجعت نماید.

با این نوشته مختصر، یاد آور می شوم که هم میهنان محتاط باشند که در دام تبلیغات گروه حاکم نیفتند و درین بحران اجتماعی خود را به نفع طبقه حاکم داخل نسازند.